

# سرزمین من

مجموعهٔ لندنی و عکس

عکاس ها: الهه ساحل، معصومه جعفری، مهشید راستی

به کوشش کیسو جهانگیری و روح الامین امینی

# My Realm

Poems & Photos by Women

Photos: Elaha Sahel, Masumeh Jafari, Mahshid Rasti

Edited by Guissou Jahangiri and Rooholamin Amini

# سرزمین من

مجموعهٔ چند لندی و عکس از زنان

به پشتو، فارسی و انگلیسی

نظرات مطرح شده در این کتاب الزاما خواست و مشی آرمان شهر نیست.

ایمیل آرمان شهر: armanshahrfoundation.openasia@gmail.com

تارنمای آرمان شهر: http://openasia.org

## چند کلمه با شما

از پشت پنجرهٔ هنر، جهان صورت دیگری دارد با رنگ‌ها، تصویرها، آواها و کلمات دیگری. از پشت این پنجره، اشیاء بیرون از قاعدهٔ طبیعت نیستند اجزاء باروت نقش واقعی‌شان را در هستی بازی می‌کنند و برای شرارتِ کشتن دست در دست یک دیگر نمی‌گذارند؛ از پشت این پنجره، جهان به چندین جهنم و چندین بهشت تقسیم نشده است از پشت این پنجره، آدم‌ها به هم لبخند می‌زنند و با مهربانی یک دیگر را به آغوش می‌کشند؛ وقتی لازم است دست هم را می‌گیرند و آن‌جا که باید، سری به دلخانهٔ هم می‌زنند. از پشت این پنجره جهان زیباست چون زندگی جریان دارد.

در طول همهٔ این سال‌هایی که گرد مرگ بر این جغرافیا می‌پاشیدند دست و دل‌های مصمم و مهربانی سرگرم مبارزه و روبیدن این غبار نفرت‌آور بودند تا رنگ و روی زیبایی از یاد نرود و قاعدهٔ هستی به هم نریزد، تا گل گل بماند، باران باران، ترانه ترانه، لبخند لبخند، و این جهان کوچک خالی از زیباترین دخترانش نشود.

در طول همهٔ این سال‌هایی که گرد مرگ بر این جغرافیا می‌پاشیدند هنر زنده بود و عاشقانه نفس می‌کشید چون خطر می‌کرد؛ شاعران با کلمات عشق بازی می‌کردند و نوازندگان با سازهای‌شان، عکاسان به سراغ بودن‌ها و تلخ‌ترین و شیرین‌ترین لحظه‌ها می‌رفتند و فیلم‌سازان دوربین‌های‌شان روی شانه‌های‌شان بود. در همهٔ این سال‌ها دریاچه‌ای شفاف از قلب خون و خشونت عبور می‌کرد تا از یاد نبریم با همهٔ نفرت پیرامون‌مان هنوز انسانیم و مرگ تنها کلمه‌ای نیست که در این سرزمین حکومت خواهد کرد.

خرسندیم که در این مجال دست سه عکاس زن را در دست‌های زنان گم‌نامی گذاشتیم که کوزه دل‌شان همواره مملو از ترانه و تغزل بوده است و برای دل خود و آنی که شاید بشنود زیر لب زمزمه کرده‌اند:

## سرزمین من

### مجموعهٔ چند لندی و عکس از زنان

به پشتو، فارسی و انگلیسی

**به کوشش:** گیسو جهانگیری و روح الامین امینی

**عکس‌ها:** الهه ساحل، معصومه جعفری، مهشید راستی

**برگردان شعرها از پشتو به فارسی:** مجیب مهرداد و اتحادیه نویسندگان افغانستان

**برگردان شعرها از فارسی به انگلیسی:** گیسو جهانگیری

**طرح جلد و برگ‌آرایی:** روح الامین امینی

انتشارات آرمان شهر

**چاپ اول:** پاییز ۱۳۹۵

**شماره گان:** ۱۰۰۰

**حق چاپ محفوظ است!**

این کتاب با حمایت مالی دیفید (DFID) منتشر شده است. مسوولیت انتشار کتاب به عهده بنیاد آرمان شهر و مسوولیت محتوای مطالب و عکس‌ها به عهده نویسنده یا عکاس است و به هیچ وجه نمی‌تواند بازتاب دیدگاه نهادهای نامبرده محسوب شود.

*په زره می لیک د اشنا نوم دی*

*د اوبو غرپ کولای نه شم وړان به شینه*<sup>۱</sup>

در این مجموعه صدای زنانی را از این غبار آباد می‌شنویم که شاید حتی نام‌شان را هیچ سندی به خاطر نگرفته باشد
زنانی از قلم افتاده اما بینا که چشم‌های‌شان همهٔ تلخی‌های زندگی را می‌بیند و زشتی و زیبایی‌های جهان را ثبت می‌کند و بدون کتابچه و قلمی هستی خود و دیگران را به زنجیر کلمات می‌کشد تا این مجموعه فراموش نشود و به دختران و پسران‌شان بسپارند تا نقش‌های دیگری را بر آن گلدوزی کنند و صدا به صدا و سینه سینه بماند و جهان از یاد نبرد
زنانی که هستی‌شان را عاشقانه در دل کوزه‌ای بر شانه می‌کشند و زیر لب زمزمه می‌کنند:

*زان یی زر و جامو کی جور کر*

*لکه په وړان کلی کی باغ د گلو وینه*<sup>۲</sup>

صاحب کلمات زیبایی که در این مجموعه گرد آمده‌اند یک نام ندارد بلکه نیمی از پیکر این جامعهٔ زخم دیده است نیمه‌ای که قرن‌هاست به زور و نیرنگ خاموش‌شان خواسته‌اند اما زمزمه کار دل است و دل قاعده نمی‌شناسد و زمزمه‌ای که مخاطبش در درون توست هر چه می‌تواند باشد، هر تابویی بی آن که کسی بداند چه در گوش خویش گفته‌ای و از این روست که این شعرها از هر قید و قاعده‌ای رهایند به اندازه‌ای رها که پیرامون، سراینده‌گان آن‌ها را به بند کشیده است.

عکس‌های این کتاب از سه زن است که بندها و نقاب‌ها را از مقابل خود زدوده‌اند تا سری میان سرها داشته باشند و *راوی* زندگی، مقاومت، رنج و سنت شکنی مردم شوند.

سپاسگزاریم از الهه ساحل، معصومه جعفری و مهشید راستی که بدون هیچ چشم داشتی عکس‌های‌شان را در اختیار این مجموعهٔ زیبا گذاشتند. و ممنونیم از اتحادیه نویسندگان افغانستان و آقای مجیب مهرداد که در گرد آوری و ترجمه لندهای این مجموعه یار و یاور ما بودند. دست دل‌تان را بگیرید و وارد این دنیا شوید جایی که هنرمندان بدون هیچ تبعیضی زندگی را گرد آورده‌اند.

<sup>[1]</sup> نام یار بردلم نوشته است

<sup>[2]</sup> نمی توانم آب بنوشم مبادا نوشته را ویران کند

<sup>[3]</sup> خود را به جامه ژولیده آراست

<sup>[4]</sup> همچو گلزاربست میان دهکده ای ویران شده



په لویو غرو د خدای نظر دی  
په سر یی واورى اوروى لمن گلونه

خدا نظر لطفی برکوه های بلندانداخته  
که بر فرازشان برفباران است و بیای شان گل می شکفت

مراسم فارغ التحصیلی تعدادی از دانشجویان دختر و پسر در کابل  
عکاس: مهشید راستی

Graduation day for girls and boys in Kabul  
Photo: Mahshid Rasti



در خانه بالا ناله و فریاد است  
یا رنجوران اند یا عاشقی از وطن می رود

**In the house above there is moaning and screaming  
It is either the hurt or a darling who is leaving the homeland**

پیرزنی پیشاپیش جمعیت معترضین به تغییر مسیر برق وارداتی از طریق بامیان  
عکاس: معصومه جعفری

An old women walking ahead of a cortege of demonstrators against the  
change of Bamiyan as the route for imported electricity

**Photo:** Masumeh Jafari



**For God's sake, I'll give you a kiss  
Stop shaking my pitcher and wetting my dress**

**I call. You're stone  
One day you'll look and find I'm gone**

تمرین ورزشی در زیر زمینی های سنگی تلاش برای بودن و رسیدن به  
میادین ملی و بین المللی دخترانی که بی وقفه تلاش می کنند  
عکاس: الهه ساحل

Relentless girls exercising in stone basements in an effort to reach  
national and international scenes

**Photo:** Elaha Sahel



**You sold me to an old man, father  
May God destroy your home, I was your daughter**

**When sisters sit together, they always praise their brothers  
When brothers sit together, they sell their sisters to others**

باغ بابر یکی از معدود تفریحگاه های کابل است این کودکان در این فضای نسبتاً امن مشغول بازی هستند  
عکاس: معصومه جعفری

Babur Gardens is one of the rare outings of Kabul, children are playing  
in a relatively safe space

**Photo:** Masumeh Jafari





توته‌های دلم را از زمین بر می‌دارم  
اما دستانم را از روی دوش محبوبم بر نمی‌دارم

**I took the bits and pieces of my heart from the ground  
But will not take my hands off my lover's shoulders**

دختری در لیسه هنر مشغول فراگیری مجسمه سازی  
عکاس: مهشید راستی

A girl learning to sculpt at the Fine arts Institute  
Photo: Mahshid Rasti



**Daughter, in America the river isn't wet  
Young girls learn to fill their jugs on the internet**

**How much simpler can love be?  
Let's get engaged now. Text me**

یکی از کلاس های مامایی در کابل که دختران مشغول فراگیری هستند  
عکاس: مهشید راستی

Class of midwifery in Kabul with young students  
**Photo:** Mahshid Rasti

پاس په آسمان کی ستوری زه وای  
نجلی و بده وای ما یی و کرای دیدنونه

ای کاش ستاره ای بودم بر آسمان  
تا دختر خوابیده را از دور تماشا می کردم

**I wish I were a star in the sky  
To watch the sleeping girl from high**

موسیقی، نواختن و آوازسردادن تابوهای شکل گرفته برای زنان، نواختن در جمع کوچکی از زنان در پشت دیوارهای بلند یک خانه در تولد ۱۸ سالگی یک دختر  
عکاس: الهه ساحل

Music, playing and singing are constructed taboos for women, playing music behind tall walls celebrating the 18th anniversary of a girl  
**Photo:** Elaha Sahel



**Separation brought this kind of grief  
it made itself a mullah and me the village thief**

صف زنان برای رأی دهی در دور دوم انتخابات ریاست جمهوری افغانستان در شهر هرات  
عکاس: الهه ساحل

Women queue up to vote during the second round of presidential elections in Herat  
**Photo:** Elaha Sahel



محبوب من از زین اسب خم شد  
من هم روی نوک پایم ایستادم تا بوسه اش دهم

**My beloved bent from his horse's saddle  
I also stood on the tip of my toes to give him a kiss**

مانور ورزشی رزمی به مناسبت هشتم مارچ ۲۰۱۳ در سالون ۲ هزار نفری ولایت هرات  
دختران جوانی که راه یابی به میادین ملی و بین المللی را در سر می پروراندند  
عکاس: الهه ساحل

**Photo:** Elaha Sahel



په زره می لیک د اشنا نوم دی  
د اوبو غرپ کولای نه شم وړان به شینه

نام یار بردلم نوشته است  
نمی توانم آب بنوشم مبادا نوشته را ویران کند

*The name of my beloved is written in my heart  
I cannot drink water, it may be erased*

دختري در لیسسه هنر مشغول تمرین نقاشی  
عکاس: مهشید راستی

Young girl at Institute of Fine arts drawing  
Photo: Mahshid Rasti

گل می په لاس کی مراوی کیژی  
پردی وطن دی زه یی چا ته ونیسمه

گل در دستم پژمرده می شود  
در وطن بیگانه به چه کسی اهدایش کنم

*The flower withers in my hand  
Who will I offer it to in a foreign land?*

زندان زنان در کابل و زنانی که چرخ روزهای شان را این ماشین خیاطی می چرخاند  
عکاس: مهشید راستی

Kabul's women's prison, women make a living thanks to their sewing machine

Photo: Mahshid Rasti





آن سوی دریا لیلا نماز می خواند  
نمازش قبول مباد که زلفانش را بر خاک می گذارد

*Layla is praying on that side of the river  
Let her prayer not be reckoned; she lays her locks on the soil*

زیارت کارته سخی پیش از حمله داعش در شب عاشورای ۱۳۹۵،  
حمله ای که ۱۶ کشته و ۵۴ زخمی به جا گذاشت  
عکاس: معصومه جعفری

Karteh Sakhi Pilgrimage before Daesh attack at the holy night of Ashura  
in 2016, leaving behind 16 dead and 54 injured

Photo: Masumeh Jafari





**Your eyes aren't eyes, they're bees  
I can find no cure for their sting**

**My body belongs to me;  
to others its mastery**

فقر و تنگدستی کودکان زیادی را برای گدایی در کابل به خیابان ها کشانده است  
عکاس: معصومه جعفری

Poverty has driven many children to begging in the streets of Kabul  
**Photo:** Masumeh Jafari



گل که می کاشتم یارم کنارم نشسته بود  
حالا که گل ها شکفتند یارم در خاک خوابیده است

**When I planted flower, my sweetheart was sitting next to me  
Now that they have blossomed, my beloved is buried**

گاهی می روی و گاهی باز می ایستی  
چیزی گم کرده ای یا مرا دیده ای؟

**Sometimes you go and sometimes you stand  
Have you lost anything or have you spotted me?**

فقر و تکدی گری سرنوشت زنانی است که مردان زنده گی خود را از دست داده اند؛  
این زن به امید دریافت صدقه کنار دیوار تکیه به روزگار غریب خود زده است  
عکاس: الهه ساحل

Poverty and beggary is the plight of women who have lost their men,  
woman hoping to receive a penny

**Photo:** Elaha Sahel



فردا بارهای کوچی بسته خواهند شد  
گل های دشت، باز دامن ترا بو می کنند

**Tomorrow the nomads' bags will be packed  
The flowers of the plain, will again smell your robe**

خدا یا مرا گل بیابان بساز  
تا از نسیمی که از سوی یار می آید بلرزم

**God make me into a desert flower  
So that I can shiver from the breeze blowing from my lover**

این دختر همراه خانواده اش در خیمه ای نزدیک شهر هرات زندگی می کند؛  
بی خانمانی سرنوشتی است که برایش نوشته اند  
عکاس: الهه ساحل

This girl along with her family live under a tent near Herat city, homelessness  
is her plight

**Photo:** Elaha Sahel



تار زلفم را آب برد  
ای یار! در کنار رود دیده بانی کن

**The stream took the strand of my hair  
Oh Beloved! Watch out at the river bed**

اگر میخواهی مرا ببینی کنار چشمه بیا  
من کوزه را آهسته آهسته با دستم پر می کنم

**If you want to see me, come to the spring  
I will fill the jug slowly slowly with my hand**

بافت چادرهای ابریشمی با این روش از کهن ترین سنت های به جامانده است این زن همه روزه غصه ها و قصه های زنده گی اش را با تار و پود این دستگاه، چادر می بافت  
عکاس: الهه ساحل

Silk weaving of chadors is one of the long lasting traditions, the woman weaves her sorrows and stories everyday with this machine

**Photo:** Elaha Sahel



گل می په لاس کی مراوی کیژی  
پردی وطن دی زه یی چا ته ونیسمه

گل در دستم پژمرده می شود  
در وطن بیگانه به چه کسی اهدایش کنم

**The flower withers in my hand  
Who will I offer it to in a foreign land?**

زنان و دختران دستفروشی که در یکی از بازارچه های کابل مشغول کار اند  
عکاس: مهشید راستی

**Photo:** Mahshid Rasti



**I'm tired of praising exotic flowers  
I miss Sangin's gardens; they were poor but ours**

کودکان کار در مناطق مختلف کابل به چشم می خورند این دختر جواری فروش روزهایش را برای تأمین مصارف خود و خانواده اش صرف می کند  
عکاس: معصومه جعفری

Child labour is seen in different areas of Kabul, this girls sells corn to make a living for her family  
**Photo:** Masumeh Jafari



Separation, you set fire  
in the heart and home of every lover

I'll make a tattoo from my lover's blood  
and shame every rose in the green garden

یک زن دکان‌دار در «باغ زنانه» کابل که یکی از مناطق تفریحی مخصوص زنان است  
عکاس: مهشید راستی

A woman shop keeper at the “women’s park” in Kabul, an exclusive place of  
leisure for women

Photo: Mahshid Rasti

زان یی زر و جامو کی جور کر  
لکه په وران کلی کی باغ د گلو وینه

خود را به جامه ژولیده آراست  
همچو گلزاریست میان دهکده ای ویران شده

**She dressed in grubby clothes  
She is like a field of flowers in a ruined village**

خانه ای در منطقه مرادخانی کابل  
عکاس: مهشید راستی

A house at the Murad Khani neighbourhood in Kabul  
**Photo:** Mahshid Rasti





## **My Realm; Poems and Photos by Women**

**Editors:** Guissou Jahangiri and Rooholamin Amini

**Photographers:** Elaha Sahel, Masumeh Jafari, Mahshid Rasti

**Translation Pashto/Persian:** Mujib Mehrdad and Afghanistan Writers' Union

**Translation from Persian/English:** Guissou Jahangiri

**Cover design & Layout:** Rooholamin Amini

Simorgh series

**Publisher:** Armanshahr

**First edition:** Winter 2016

**Print-run:** 1000

**All rights reserved for the publisher**

This publication has been produced with the financial assistance of DFID. The responsibility for the publication lies with Armanshahr and for the contents of poems and photographs with their writers and photographers and they can in no way be assumed to reflect the views of the above-mentioned institutions.